یادداشت

پیام مقام معظم رهبری به مناسبت روز کارگر و روز معلم منتشر شد

معلمان و کارگران ستون فقرات عرصه فرهنگ و اقتصاد

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیامی به مناسبت یازدهم و دوازدهم اردیبهشت که مصادف با روز کارگر و روز معلم است، این دو قشر مهم و تأثیرگذار و نقش‌آفرین را ستون فقرات عرصه فرهنگ و اقتصاد دانستند و با تأکید بر لزوم تجلیل عمیق‌تر و عملی‌تر و فراتر از تجلیل‌های زبانی از معلمان و کارگران از جمله پرهیز حتی‌الامکان صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده از تعدیل نیروها، خاطرنشان کردند: ایران عزیز همچنان که در پی سال‌ها تلاش در جایگاه یک قدرت نظامی ظاهر شده، ان‌شاء الله و به فضل الهی با ترسیم خطوط هویت ایرانی- اسلامی و با اولویت‌دادن به مصرف کالاهای تولید داخل مسیر عبور به سوی قله‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود. متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: بسم‌الله الرّحمن الرّحیم، دو روزِ یازدهم و دوازدهم اردیبهشت، روزهایی است که در آن از مقام کارگر و منزلت معلم تقدیر به عمل می‌آید. فارغ از تجلیل زبانی و نمادین که به‌نوبه خود کار بجا و صحیحی است، پیشرفت هر کشوری رَهین دو بال علم و عمل است. معلم در اولین مرحله تحقق از این مقصود نقش‌آفرینی می‌کند. مسئولیت خطیر آموزشِ دانش، افزایش مهارت، و بخش مهمی از رشد بینش و قالب‌ریزی هویت نسل آینده برعهده او است. دانش‌آموزان و دانشجویان و طلّابی که در کنار هر معلمی رشد می‌کنند، در آینده نه‌چندان دور، مهارت‌های آموخته و دانش‌های یادگرفته خود را به‌کار بسته و وای بسا در خُلق‌وخو و رفتار و گفتار خود در انواع عرصه‌ها از محفل گرم خانواده تا محیط کار و کوچه و خیابان چون آینه‌ای، نمایش‌دهنده رفتارها و گفتارهای معلمین خود خواهند بود. از سوی دیگر، عرصه کار، صحنه وسیعی است به‌وسعت کشور که از داخل خانه‌ها، ادارات و واحدهای کسب و کار و مساجد گرفته تا مزارع و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و معادن و انواع زیادی از مشاغل خدماتی کشیده می‌شود. هرچقدر این پهنه وسیع از دو عنصر سخت‌کوشی و تعهّد که از ارکانِ هر توفیق بزرگی به‌شمار می‌روند بیشتر بهره‌مند باشد، پیشرفتگی کشور، بیشتر و بهتر تضمین می‌گردد. می‌دانیم یک کارگر در پرتو تعهّد و حُسنِ عمل، گاه آن‌چنان جایگاهی می‌یابد که شایسته است همچون دست پُرمهر معلم و مربّی، بر دست توانا و هنرمند او هم بوسه تشکر و امتنان زده شود. این البته امری است که از دامان اولین مربیان هر کسی یعنی پدر و مادر او و پس از آن از درک محضر معلّم قابل تأمین است.

اینک که جمهوری اسلامی ایران بعد از بیش از چهل‌وهفت سال مجاهدت، با تکیه به فضل الهی در نبرد نظامی با دشمنانِ پیشرفت و تعالی خود، بخشی از توانمندی چشمگیر خود را به جهانیان ثابت کرده است، در مرحله جهاد اقتصادی و فرهنگی نیز باید آنان را ناامید کرده و شکست دهد. معلمان مؤثرترین حلقه در نبرد فرهنگی و کارگران از مؤثرترین عناصر در نبرد اقتصادی خواهند بود؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد که این دو، به منزله ستون فقرات عرصه فرهنگ و اقتصاد هستند. از این رو لازم است به اهمیت جایگاه خاص خود و فراتر از یک شغل ـ که در قبال فعالیت در آن، دستمزدی دریافت می‌شود ـ به‌خوبی واقف باشند. همچنان‌که باید به موازات این امر، توجه داشت که تجلیل‌های زبانیِ سالیانه یا هر چندوقت یک بار گرچه بجا و مناسب است ولی قدردانی از تلاش‌های این دو قشر باید عمیق‌تر و عملی‌تر از این حد باشد. بنده تصور می‌کنم همان‌طورکه ملت عزیز ایران با حضور در میادین و خیابان‌ها از نیروهای نظامی کشور خود حمایتی درخور به‌عمل می‌آورند، شایسته است در یاری‌کردن معلمان و کارگران هم پشتیبانی قوی‌ای از خود نشان دهند. از جمله باید تعامل خانواده‌های دانش‌آموزان و دانشجویان در اداره مدارس و دانشگاه‌ها، بیشتر از پیش فراهم شود، و همچنین باید با اولویت‌دادن به مصرف کالاهای ساخت داخل کشور از کارگرانِ مولّد پشتیبانی نموده و به‌خصوص صاحبان کسب و کارهای آسیب‌دیده تا حدّ ممکن از تعدیل نیرو و جُداسازی نیروی کار خود، چه در واحدهای تولیدی و چه واحدهای خدماتی اجتناب نمایند و بلکه هر کارگری را به‌منزله ثروت آن واحد تولیدی و خدماتی، منظور دارند؛ و البته دولت محترم هم در حدّ مقدور از این عملِ خیرخواهانه حمایت نماید. ایران عزیز، همچنان که در پی سال‌ها تلاش در جایگاه یک قدرت نظامی ظاهر شده، ان‌شاءالله و به فضل الهی با ترسیم خطوط هویت ایرانی اسلامی و رسوخ هرچه بیشتر آن در اذهان و نفوس جوانان این کشور به دست مربیان و معلمین، و با اولویت‌دادن به مصرف کالاهای تولید داخل که نتیجه تلاش کارگران زحمتکش ایرانی است، مسیر عبور به‌سوی قلّه‌های پیشرفت و تعالی را خواهد پیمود، و این البته با دعای خیر و وِساطت سرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشریف هرچه سریع‌تر و بهتر صورت خواهد پذیرفت بِإذنِ‌الله تعالی. و السّلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته.

پایان جنگ، پایان خصومت؟

ادامه از صفحه ۲

پس شما معتقد به نظم جدید در روابط ایران و کشورهای عربی بعد از این جنگ هستید؟

شکی نیست که پس از جنگ، تغییرات مهمی در ترتیبات امنیتی منطقه شکل خواهد گرفت و ما باید شاهد یک نظم نوین باشیم. شرط اصلی آن، این است که معادلات به نفع ایران تغییر کند. بسیاری معتقدند حتی همین اکنون نیز بسیاری از معادلات به سود ایران شکل گرفته؛ زیرا آمریکا به اهداف اصلی خود نرسیده است. باید صبر کنیم و ببینیم چگونه می‌توان از این فرصت به بهترین شکل بهره‌برداری کرد. کشورهای جنوبی خلیج فارس متکی به حمایت امنیتی و نظامی ایالات متحده بوده و هستند، هزینه‌های کلان پرداخت می‌کردند، قراردادهای رسمی امضا کرده بودند و پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا قرار داده بودند. آنچه در این جنگ رخ داد، این بود که آمریکایی‌ها در بخش حفاظت و دفاع از این کشورها کاملا ناتوان ظاهر شدند. یک مورد هم نمی‌توان نشان داد که آمریکا برای دفاع واقعی از یکی از این کشورها وارد عمل شده باشد. ترامپ نیز رسما اعلام کرد که موضوع اصلی آنها ایران است و آنها درگیر مسائل مهم‌تری مانند برنامه هسته‌ای ایران هستند و قصد ندارند از این کشورها حمایت مستقیم کنند. این مسئله باعث گلایه و ناراحتی شدید آنها شده است.

بااین‌حال، باید توجه داشت که این نارضایتی و نگرانی از رویکرد آمریکا در خلال جنگ، هرگز به معنای آن نیست که این کشورها جرئت یا تمایل داشته باشند آمریکایی‌ها را کنار بگذارند یا به دنبال جایگزین‌های جدی برای آنها باشند. چنین تحولی نیاز به زمان دارد. ممکن است در مرحله اول از این بی‌توجهی نگران شوند، اما گذار از وابستگی امنیتی به ایالات متحده به سمت یک قدرت دیگر، نه سریع است و نه به این آسانی عملی خواهد شد. من معتقدم نه این کشورها به این زودی به سمت چنین تغییری حرکت می‌کنند و نه آمریکایی‌ها به‌راحتی این منطقه را ترک خواهند کرد. آمریکایی‌ها با توجه به درآمدهای هنگفتی که از این منطقه کسب می‌کنند، از فروش سلاح و کالا گرفته تا درآمدهای نظامی و امنیتی پایگاه‌ها به این آسانی منطقه را رها نخواهند کرد؛ بنابراین انتظار تحول عمیق در برخورد این کشورها با آمریکا در کوتاه‌مدت، تا حدی خوشبینانه به نظر می‌رسد.

حدود و ثغور این ترتیبات چیست؟

آنچه محتمل‌تر است، شکل‌گیری ترکیبات جدید امنیتی است؛ برای مثال، ورود بازیگران دیگری مانند پاکستان که قبلا با عربستان و امارات همکاری داشته و پیمان دفاعی مشترک امضا کرده که می‌تواند مسیر برای پیمان‌های مشابه دیگر کشورهای عربی با پاکستان را باز کند یا حتی دعوت قطری‌ها از ترکیه برای پیمان‌های مشابه و... .

جای آمریکا در این نظم کجاست؟ یعنی معتقدید واشنگتن در آینده نظم امنیتی منطقه نخواهد بود؟

این امر هرگز به معنای کنارگذاشتن کامل آمریکایی‌ها نخواهد بود.

در یک سناریوی بدبینانه، بسیاری معتقدند یکی از مهم‌ترین پیامدهای جنگ اخیر، موج جدید عادی‌سازی روابط با اسرائیل و پیوستن کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به «پیمان ابراهیم» خواهد بود. بسیاری پیش‌بینی می‌کنند عربستان سعودی در صدر این موج قرار خواهد گرفت. آیا شما نیز چنین چیزی را محتمل می‌دانید؟ آیا کشورهای دیگری مانند کویت یا قطر هم که ملاحظاتی داشتند، اکنون این ملاحظات را کنار خواهند گذاشت و به سمت عادی‌سازی کامل روابط با اسرائیل حرکت خواهند کرد؟

باز هم تأکید می‌کنم که همه چیز به نتایج نهایی جنگ بستگی دارد. اگر ایران در موضع ضعف قرار بگیرد و در مذاکرات پایان جنگ مجبور شود برخی خواسته‌های آمریکا را به‌ویژه در حوزه امنیت منطقه‌ای و تنگه هرمز بپذیرد و نشانه‌هایی از ضعف از خود نشان دهد، طبیعی است که کشورهای عربی تلاش کنند موقعیت خود را تقویت کنند، روابط با اسرائیل را گسترش دهند و وارد فرایند عادی‌سازی شوند. اما نباید فراموش کنیم که این کشورها از آمریکا که توانمندی‌اش به مراتب بیشتر از اسرائیل است، حمایت می‌خواستند. آنها با وجود ناوگان عظیم آمریکا در منطقه، غفلت و عدم تمایل به حمایت جدی را مشاهده کردند. از نظر آنها، اسرائیل وجه مثبت و اطمینان‌بخشی ندارد. حتی وقتی اسرائیلی‌ها به امارات آمدند، نخستین ضربه‌ها را دریافت کردند و این کشورها حاضر نشدند به خاطر اسرائیل وارد جنگ مستقیم با ایران شوند. مسئله اسرائیل برای آنها، مسئله لبنان یا اختلافات دوجانبه ایران و اسرائیل بود، نه دفاع از موجودیت خودشان. بنابراین، این ادعا که بلافاصله پس از آتش‌بس و توافق، این کشورها به سمت بازگشایی یا عادی‌سازی روابط گسترده با اسرائیل حرکت خواهند کرد، با ابهام جدی مواجه است. اما اگر معادلات به نفع ایران تغییر کند، نوع تعامل ما با این کشورها، به‌ویژه در حوزه امنیتی و دادن اطمینان خاطر به آنها بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. این موضوع اهمیت زیادی دارد و می‌تواند به کاهش دیوار بی‌اعتمادی کمک کند. برای آنها بسیار مهم است که ایران را به‌عنوان تهدید مستقیم تلقی نکنند. در سؤال قبلی اشاره کردید گزینه‌ای که جمهوری اسلامی ایران از ابتدا، چه در دوره اصلاحات و چه در دوره دولت آقای روحانی و مشخصا دکتر ظریف مطرح کرده، گزینه مطلوبی برای ایجاد ترتیبات امنیتی نوین مشترک با حضور همه کشورهای منطقه بوده است؛ اینکه حالا بعد از این جنگ و در فضای تازه منطقه، آیا طرف‌های خارجی دیگری نیز باید بعد از این جنگ در آن حضور داشته باشند، بحث بعدی است. اما گزینه مشترک امنیتی، هم به نفع ماست و هم به نفع کشورهای حاشیه خلیج فارس.

نگرانی طرفین از همدیگر چگونه قابل حل است؟

بله فعلا مشکل اصلی نگرانی از همدیگر است، اما دقیق‌تر این است که پس از این جنگ برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس ثابت شده که ایران به این آسانی از بین نمی‌رود، حتی اگر آمریکا و اسرائیل با تمام امکانات منطقه علیه آن متحد شوند. پس ترتیبات امنیتی نوین مشترک، هم به نفع ماست و هم به نفع آنها که می‌تواند این نگرانی‌ها را حل و رفع کند. اگر این ترتیبات به صورت مشارکتی و با مدیریت جمعی منطقه اجرا شود، منافع همه طرف‌ها را تأمین خواهد کرد.

اگر کشورهای عربی اصرار به حضور آمریکا در منطقه داشتند، آن وقت چطور؟

اگر اصرار داشته باشند که برخی طرف‌های خارجی نیز با میزان و حجم مشخصی حضور داشته باشند، این موضوع قابل بحث است. به نظر من، این همان گزینه‌ای است که باید روی آن کار جدی انجام دهیم.

جناب ایرانی، سؤال بسیار مهمی که برای بسیاری دغدغه جدی ایجاد کرده، موضوع «پرداخت» یا «دریافت» غرامت است. این موضوع به چه شکل خواهد بود؟

دریافت غرامت یا پرداخت آن، هر دو پروسه‌ای سنگین و پیچیده در حقوق بین‌الملل است و به این سادگی قابل حل نیست. بله، در حین جنگ و به‌ویژه پس از پایان آن، این موضوع قابل طرح است و از همین الان نیز از هر دو طرف ایران و کشورهای عربی منطقه هم مطرح شده است. قاعده کلی در حقوق بین‌الملل این است که کشوری که آغازگر جنگ بوده، در پایان باید غرامت بپردازد؛ به‌ویژه اگر در دستیابی به اهداف خود موفق نشده باشد. در این میان دو عامل اصلی تعیین‌کننده است؛ اول، توافق دوجانبه؛ یعنی دو طرف بنشینند و تحت هر عنوانی توافق کنند که یکی پذیرفته آغازگر جنگ بوده و غرامت طرف مقابل را بپردازد. این مسیر کمتر طی شده است. عامل دوم، قدرت و زور است. حتی اگر شورای امنیت یا نهادهای بین‌المللی کشوری را محکوم به پرداخت غرامت کنند، این حکم بدون وجود زور و قدرت بین‌المللی پشت آن، عملا قابل اجرا نخواهد بود. آنچه در مورد کویت پس از اشغال عراق رخ داد، هرچند با عنوان امنیت منطقه‌ای توجیه شد، اما در حقیقت قدرت نظامی آمریکا بود که این پرداخت را به عراق تحمیل کرد. صدام تا زمانی که روی کار بود، حتی یک دینار هم پرداخت نکرد، اما پس از تسلط آمریکا بر عراق، از درآمدهای نفتی عراق مجبور به پرداخت غرامت به کویت شدند. بنابراین، نتیجه نهایی جنگ در این زمینه بسیار تعیین‌کننده است. بااین‌حال، نباید غافل شد که به همان میزانی که آنها ادعای غرامت از ایران دارند، ایران نیز به مراتب خسارت بیشتری دیده و خود را طرفی می‌داند که مورد تجاوز قرار گرفته است. بنابراین، موضوع آغازگر جنگ بسیار مهم است. یکی از بزرگ‌ترین شاهدان ما در این زمینه، کشور عمان است که وزیر خارجه آن صراحتا اعتراف کرده ایران حین مذاکرات مورد حمله قرار گرفته است. حتی در سازمان ملل نیز به‌نوعی به این واقعیت اشاره شده که آغازکننده جنگ، طرف آمریکایی بوده است. در چنین شرایطی، ادعای اینکه ایران باید غرامت بپردازد، بیشتر جنبه تبلیغاتی و روانی دارد و با واقعیت‌های حقوقی و میدانی تطابق چندانی ندارد. برعکس، موضوع دریافت غرامت از طرف مقابل، حتما جزء پرونده و خواسته‌های جدی ایران در مذاکرات آتی خواهد بود.

بهتر نیست اگر ایران با آمریکا به توافقی رسید، موضوع کشورهای عربی و ادعای غرامت را از طریق واشنگتن مدیریت کند و آن را به‌عنوان پیش‌شرط مطرح کند؛ یعنی ترامپ متعهد شود که جلوی این ادعاها را بگیرد؟

این را نباید باور کرد. آنچه اکنون از سوی برخی کشورهای عربی مطرح می‌شود، بیشتر نوعی فرار به جلو است. ما می‌توانیم از آنها مطالبه کنیم که چرا پایگاه‌های خود را در اختیار آمریکا قرار دادید تا ایران را هدف قرار دهند و به نابودی بکشند؟ پاسخ ما به این حمله بوده، نه اینکه ما آغازگر جنگ باشیم. وقتی آنها هشدار ایران را نادیده گرفتند و امکانات خود را برای حمله به ایران در اختیار طرف مقابل گذاشتند، کاملا روشن است که مسئولیت اولیه با آنهاست. اسناد تاریخی ماه‌های پیش از جنگ نیز این واقعیت را بارها نشان می‌دهد. بنابراین، طرح این ادعاها از سوی آنها بیشتر برای زیر سؤال بردن خواسته‌های ایران از همان ابتدای مذاکرات است. بااین‌حال، تجربه نشان می‌دهد که روند دریافت یا پرداخت غرامت پس از جنگ‌ها اغلب بسیار دشوار و گاه غیرقابل اجرا بوده است. حتی مواردی که سازمان‌های بین‌المللی آنها را تأیید کرده‌اند، بسیاری از پرونده‌ها پرداخت‌نشده باقی مانده‌اند. با وجود این، ما باید به‌طور جدی بر حقوق و مطالبات خود در این زمینه اصرار ورزیم.

و برای سؤال آخر؛ ادبیات امارات در حال حاضر کاملا رادیکال شده . نکته مهمی که به سؤال اول نیز مربوط می‌شود، این است که اگر جنگ تمام نشود و ترامپ مجددا به سمت آغاز جنگ از روز چهل‌ویکم حرکت کند (یعنی احتمال حمله به نیروگاه‌های انرژی و حتی حمله زمینی و اگر حمله زمینی رخ دهد)، امارات ممکن است بر موج سوار شود و مجددا ادعای مالکیت بر جزایر سه‌گانه را مطرح کند. شما چنین سناریویی را محتمل می‌دانید؟

من بعید می‌دانم تا زمانی که تنگه هرمز به این شکل در اختیار و کنترل ایران قرار دارد، اماراتی‌ها بتوانند یا بخواهند مسئله جزایر سه‌گانه را به‌طور جدی مطرح کنند. مطرح‌کردن چنین ادعایی در شرایط فعلی، اوضاع را بسیار پیچیده‌تر خواهد کرد. ایران اصل قضیه یعنی تنگه هرمز را در اختیار دارد و در شرایطی که صلح واقعی برقرار نیست و همه چیز به سمت وضعیت جنگی حرکت کرده، اماراتی‌ها چگونه می‌خواهند چنین ادعایی را عملی کنند؟ اساسا کدام نیرو در داخل خلیج فارس قادر است چنین عملیاتی را برای اشغال جزایر سه‌گانه ایرانی اجرا کند؟ به نظر من، این موضوع فعلا مطرح نیست. آنچه امروز اهمیت اساسی دارد، این است که معادلات هنوز نهایی و قطعی نشده است. در حال حاضر بحث اصلی بر سر میز مذاکره است. سرنوشت جنگ تا حد زیادی به نتیجه این مذاکرات بستگی دارد. البته اگر طرف مقابل جنگ را از سر بگیرد، موضع دفاعی ایران مجددا به شکل فعال ظاهر خواهد شد.

بااین‌حال، ادامه وضعیت فعلی، منافع زیادی برای ما ندارد. ما گزینه‌ای جز مذاکره نداریم، هرچند همان‌طور که پیش‌تر گفتم، آتش‌بس موقت نیز همچنان بخشی از شرایط جنگی است و نباید این واقعیت را فراموش کنیم. ما در موضع مقاومت و ایستادگی هستیم، نه هجوم. طرف مقابل در موضع تخریب، تروریسم و هجوم است. البته هیچ‌کدام از طرفین قادر به حذف کامل دیگری نیستند. هزینه‌های جنگ مدام در حال افزایش است و تنها مذاکره می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش دهد و به نتایج مشخصی برسد. اگر بتوانیم از موقعیت ژئوپلیتیک خود، به‌ویژه در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز به درستی استفاده کنیم و منافع ملی‌مان را هوشمندانه پیگیری کنیم، بیشترین بهره را خواهیم برد. موضوعاتی مانند مسئله جزایر سه‌گانه، در سایه این مسائل اصلی قرار می‌گیرند. باز هم تأکید می‌کنم که نتایج نهایی جنگ و نوع توافقی که با طرف آمریکایی حاصل می‌شود، بسیار تعیین‌کننده است و سایر طرف‌ها ناچارند آن را بپذیرند.

جدول ۵۳۰۷ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دمل چرکی- کنایه از کسی که مورد تنفر دو طرف دعوا قرار گرفته است ۲- حشره‌ای شکارچی- گوشه‌ای در دستگاه ماهور- چاه جهنم ۳- انجیر قرآنی- خصم- انواع خوراکی‌ها از قبیل آجیل و شیرینی ۴- مادر لر- بندری در استان هرمزگان- حیوانی که در طول عمر خود آب نمی‌نوشد ۵- دشمنی- از آفات نباتی- نوعی میمون ۶- دیکته- جزیره- آشکارساختن موضوع ۷- واحد شمارش درخت- بیمار روحی- یکدندگی ۸- وسترنی اصیل و رمانتیک ساخته جورج استیونس- روز بزرگ و مهم و متبرک- چیرگی ۹- ضمیر اول- آژیر خطر- دروغین ۱۰- نوعی التهاب پوستی- کوره گچ‌پزی- نامی دخترانه ۱۱- سرکرده- شهر باستانی و قرمزرنگ اردن- چاهک کف حوض ۱۲- رفیق منحرف- ته‌نشست- چاشنی غذایی ۱۳- شیوه حل مشکل- نشانی- لباس اتاق عمل ۱۴- سوره هفتادوهشتم قرآن- خرید غیرنقدی- ضربه‌ای در تنیس روی میز ۱۵- کتابی متشکل از سه داستان کوتاه نوشته غلامحسین ساعدی- شوکت

عمودی:

۱- خواهش و درخواست- تیراژ- قطعه ریتمیک بدون کلام که در پایان دستگاه موسیقی نواخته می‌شود ۲- در آفرینش ز یک گوهرند- تازه و جدید- پدر عرب ۳- زندان- اکنون- آگاه باش ۴- بله شیرازی- برگزیدگان- خودداری‌کردن ۵- دیرینگی- فیلمی ساخته داریوش مهرجویی- آواز بلند ۶- استخوانی در گوش میانی- خواهش‌های نفسانی- نام قدیم تخت‌جمشید ۷- نوازنده زورخانه- چند مرتبه- ضمیری انگلیسی ۸- شکم- عامل متغیر- تأیید خودمانی ۹- کلیدی در موسیقی- کتاب مشهور شیخ بهایی- کاربلد ۱۰- فضاپیمایی که نخستین انسان را به فضا برد- کندزبان- از واکنش‌های دفاعی بدن ۱۱- شبه‌جزیره کوهستانی مصر- بی‌کس- نویسنده فرانسوی کتاب قرارداد اجتماعی ۱۲- جعلی و ساختگی- رفتن- طاقچه قدیمی ۱۳- دیرانجام- رو به آن نماز می‌خوانیم- دریاچه دیدنی لرستان ۱۴- همسر حضرت یعقوب(ع)- گوی شیشه‌ای برای بازی کودکانه- سوبسید ۱۵- ابزار، وسیله- تکاور- روان‌شدن دستگاه‌ها و قطعات موتور خودروی نو

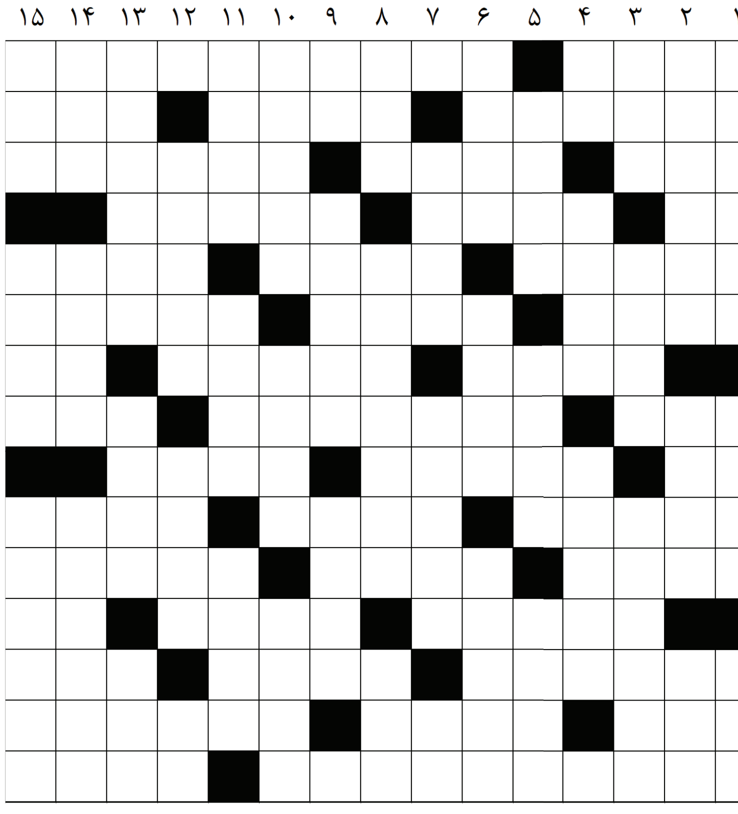

حل سودوکو ۴۳۰۲

۴	۳	۶	۸	۱	۷	۹	۵	۲
۸	۷	۹	۳	۵	۲	۶	۱	۴
۱	۲	۵	۴	۶	۹	۷	۸	۳
۹	۶	۴	۵	۷	۱	۳	۲	۸
۷	۵	۸	۲	۴	۳	۱	۹	۶
۲	۱	۳	۶	۹	۸	۵	۴	۷
۳	۹	۲	۷	۸	۵	۴	۶	۱
۵	۴	۷	۱	۲	۶	۸	۳	۹
۶	۸	۱	۹	۳	۴	۲	۷	۵

۴	۸	۷	۳	۶	۵	۲	۹	۱
۳	۱	۲	۹	۷	۴	۵	۶	۸
۹	۵	۶	۱	۲	۸	۷	۴	۳
۸	۷	۵	۲	۳	۶	۴	۱	۹
۶	۴	۹	۷	۵	۱	۸	۳	۲
۱	۲	۳	۸	۴	۹	۶	۷	۵
۵	۹	۴	۶	۸	۳	۱	۲	۷
۷	۶	۱	۵	۹	۲	۳	۸	۴
۲	۳	۸	۴	۱	۷	۹	۵	۶

حل جدول ۵۳۰۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	ص	■	ا	ف	س	ر	د	ه	■	م	ش	ت	ر	ی
۲	ا	م	ا	ر	ت	■	م	ا	ن	د	ل	ا	■	ه	ا
۳	خ	د	ن	گ	■	ک	و	ل	ی	س	■	خ	ب	ی	ر
۴	ن	ب	ش	■	و	ی	ز	ا	■	ت	ا	ک	ی	د	■
۵	■	ه	ا	ر	ل	م	■	ن	ک	ب	ت	■	س	ن	د
۶	پ	ر	■	س	و	ی	ا	■	م	ر	ا	ت	ب	■	و
۷	ا	ن	■	ا	ل	ا	ت	ح	ا	د	■	ر	ا	م	ش
۸	ی	گ	ا	ن	ه	■	ش	و	ک	■	پ	ا	ل	ا	ن
۹	ا	ی	ز	د	■	ا	ب	ر	ا	ه	ی	م	■	ر	ب
۱۰	ن	■	م	ن	ت	ه	ا	■	ن	ا	ت	و	■	گ	ه
۱۱	ه	ل	و	■	ا	ی	ر	ج	■	م	ز	ا	ی	ا	■
۱۲	■	م	د	ا	ر	ا	■	د	و	ل	ا	■	و	ر	ق
۱۳	ش	ا	ن	ه	■	ن	ج	ا	س	ت	■	پ	س	ی	ن
۱۴	ب	ل	■	ن	ی	ه	ا	ر	ی	■	ک	ر	ف	ت	و
۱۵	ا	م	ن	ی	ت	■	م	ه	م	ا	ن	ی	■	ا	ت

سودوکو سخت ۴۳۰۳

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

			۵	۶				۹
	۵	۹			۱		۲	
	۴					۶		
		۵			۴		۷	
		۸		۵		۲		
	۶		۹			۸		
		۳					۸	
	۱		۳			۴	۹	
۹				۴	۲			

سودوکو ساده ۴۳۰۳

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵					۹		۸	۲
		۸	۶		۲	۷		۵
		۱		۷			۴	۶
	۱		۹					۷
۲			۸		۴			۱
۶					۱		۳	
۸	۵			۹		۴		
۱		۳	۴		۷	۲		
۷	۴		۲					۹